

رابطه بین حقوق مالکیت فکری و معنوی و سرمایه اجتماعی

استادان در زمینه تالیف آثار

(مطالعه موردی استادان صاحب اثر دانشگاه الزهرا (س))

دکتر فرناز ناظرزاده کرمانی*

دکتر مرضیه موسوی**

حمیده آرخی***

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۰

چکیده

این مقاله رابطه بین حقوق مالکیت فکری و معنوی در ایران و سرمایه اجتماعی استادان صاحب اثر در زمینه تالیف آثار را بررسی می‌کند. بر اساس نظریات پاتنام، کلمن، فوکویاما، دیدگاه نهادی و دیدگاه همیاری، فرضیاتی چند مطرح و میان متغیرها ارتباط نظری برقرار گردید. جمعیت آماری پژوهش، شامل ۳۱۰ نفر استادان صاحب اثر دانشگاه الزهرا (س) بوده است که از این میان ۹۵ نفر از

* استادیار علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

*** کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)

استادان صاحب اثر دانشگاه الزهراء (س) به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده است. به منظور سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از مقیاس لیکرت استفاده گردید که شامل مولفه‌های اعتماد در محیط علمی، مشارکت در محیط علمی، انتظارات و تعهدات در محیط علمی و تعاملات علمی در شبکه اجتماعی مولفان آثار است و برای سنجش متغیر حقوق مالکیت فکری و معنوی از مولفه‌های وجود قانون حق مؤلف، آگاهی مؤلفان از مفاد قانون حق مؤلف، نگرش مؤلفان نسبت به قانون حق مؤلف و متغیر وجود سوء استفاده از اثر مولفان، استفاده شده است. بر اساس نتایج، فرضیه اصلی تحقیق تایید شد. بدین معنی که بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و سرمایه اجتماعی استادان صاحب اثر در زمینه تالیف آثار رابطه وجود داشته است. هم چنین بین مؤلفه‌های حقوق مالکیت فکری و معنوی در این مطالعه (وجود قانون حق مؤلف، آگاهی مؤلفان از مفاد قانون حق مؤلف، نگرش مؤلفان نسبت به قانون حق مؤلف و متغیر وجود سوء استفاده از اثر مولفان) و سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف اثر رابطه معناداری برقرار شد.

واژه‌های کلیدی: حقوق مالکیت فکری و معنوی، حق مؤلف، حقوق

پدید آورنده، اثر مشترک، سرمایه اجتماعی

طرح مساله

بنیان‌های نوین اخلاق و مساله نظم و صلح، همان قدر که دغدغه سقراط بود، توسط شاگردان وی نیز پیگیری شد. افلاطون "جمهوری" را مطرح کرد که در آن دوگانگی اخلاق فرد و حکومت رد شده بود. وی معتقد بود که "حکومت شبیه افراد خود است" و بدین نتیجه رسیده بود که مطالعه و تحقیق درباره مسئله اخلاق به عنوان جزئی از ساختمان اجتماعی، بهتر و آسانتر است که مانند یک صفت شخصی مورد مطالعه قرار گیرد. "اگر ما بتوانیم جامعه درستی را توصیف کنیم، توصیف فرد درست، برای ما بهتر

و آسانتر خواهد بود. بدین ترتیب می‌توان دریافت که توجه به کنش‌های جمعی و ارتباطات مبتنی بر اعتماد، ریشه در اعصار تاریخ داشته است و این مفهوم به طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان داشته و رفتار و نگرش آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (موید فر، ۱۳۸۸). کلمن (۱۳۷۷) معتقد است سرمایه اجتماعی، به نوبه خود، هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد را به شیوه‌هایی دگرگون کند و کنش را تسهیل کند. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. به طور کلی سرمایه اجتماعی محصول تعاملات اجتماعی با قابلیت کمک به بهزیستی اجتماعی، مدنی یا اقتصادی یک اجتماعی هدفمند و دارای هدف مشترک است. این تعاملات، منابع دانش و هویت را ترسیم می‌کنند و همزمان از گنجینه‌های سرمایه اجتماعی بهره‌برداری می‌کنند و آنها را می‌سازند. سرشت سرمایه اجتماعی به ابعاد کیفی تعاملاتی بستگی دارد که سرمایه اجتماعی در محدوده آنها تولید می‌شود، مانند: کیفیت تعاملات بیرونی- درونی، تاریخی بودن، آینده گرایی، تقابل، اعتماد، ارزش‌های مشترک و هنجارها (Falk and Kilpatrick, 2000).

منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فی‌مابین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند. سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود (Fine, 2003). پس آن چه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی بر می‌آید این است که این مفهوم دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است به نحوی که، سرمایه اجتماعی سبب می‌شود که گروه به سمت ارزش‌ها و هنجارهای تحسین شده و مثبت شده در جامعه گام بردارد.

در رابطه با عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی باید یادآور شد که: بنا به گفته تودارو "امروزه ریشه کن کردن فقر و نابرابری مرکز ثقل مسائل قرار گرفته و هدف اصلی سیاست توسعه برای بسیاری از کشورها می‌باشد. به همین سبب مبارزه با فقر و کاهش نابرابری جزء اهداف عمده راهبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود به طوری که در کشورهای توسعه یافته یکی از هدف‌های مهم سیاستگذاران اقتصادی، ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی در جامعه است و در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هدف تلقی نمی‌شود، بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه یافته افزایش رفاه اجتماعی را هم یکی از هدف‌های اصلی و از معیارهای توسعه یافتگی در نظر می‌گیرند. و از طرفی با محوریت یافتن فکر و خلاقیت در حرکت جوامع و در ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... امروزه تمام نظام‌های اجتماعی به عنوان توسعه منابع انسانی به این بُعد اساسی انسان (فکر و خلاقیت) می‌پردازند. بنابراین در سطح جهانی سیستم‌هایی برای این امر طراحی شده است که اهم آنها مالکیت فکری و معنوی است. این سیستم با حمایت مادی و معنوی (اخلاقی) از خالق اثری که ناشی از فکر اوست به عنوان موتور محرکه انگیزه‌های انسانی برای خلق آثار بدیع و توسعه را عمل می‌کند، و از این رو تشکیل نظام حقوق مالکیت معنوی موثر، انگیزه‌ای برای تولید، خلق دانش جدید و انتشار آن است و حقوق مالکیت فکری و معنوی ارتباط تنگاتنگی با توسعه اقتصادی، سیاست و فرهنگ دارد (شاه آبادی و ساری گل، ۱۳۹۰). نقض حقوق مالکیت فکری و معنوی، علاوه بر محروم کردن صاحب آن از منافع مادی، سبب از بین رفتن روحیه خلاقیت و تزلزل فرهنگ جامعه نیز می‌شود (صالحی و سالاری زاد، ۱۳۹۰).

متأسفانه درباره حق مؤلف، در کشور ما، قانون صریح و شفاف وجود ندارد که به تمام جوانب امر توجه داشته باشد و برای متخلفان مجازات‌هایی را پیش‌بینی کرده باشد. البته بندهای خیلی کمرنگی در بعضی ضوابط و مقررات در خصوص نشر وجود دارد که اجرای آن نیز با مشکلاتی مواجه است و نیز این قوانین کارآمدی لازم را هم ندارند. با

این حال قانون حقوق مؤلفان مصوب ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ در ایران در اصل تأمین کننده حقوق پدیدآورندگان در داخل کشور و در چارچوب مرزهای ایران به حساب می‌آید. قوانین ملی برای اجرا در داخل کشور، برای پدیدآورندگان داخلی تدوین شده‌اند.

دغدغه اصلی این پژوهش بررسی وجود رابطه بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار است و سوال اساسی این پژوهش بر مبنای این مسئله است که: آیا بین عامل حقوق مالکیت فکری و سرمایه اجتماعی در زمینه تالیف آثار رابطه وجود دارد؟

مروری بر تحقیقات پیشین

در رابطه با عنوان این پژوهش (تأثیر حقوق مالکیت فکری و معنوی بر سرمایه اجتماعی) تاکنون هیچ گونه پژوهشی انجام نشده است. در مدار تحقیقات تجربی پیشین مرتبط با این پژوهش، درباره مقوله حقوق مالکیت فکری و معنوی و مقوله سرمایه اجتماعی به صورت مجزا تحقیق و تفحص شد. مطالعه درباره این دو مقوله به صورت مجزا حاکی از تأثیر هر یک از مقوله‌های یادشده در عرصه‌های گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی و توسعه‌ای می‌باشد.

در زمینه سرمایه اجتماعی در سال‌های گذشته تحقیقات گوناگونی در سطوح بین المللی، منطقه‌ای و ملی انجام شده است. برخی از تحقیقات انجام شده در ایران در این قسمت بررسی می‌شوند.

یافته‌های تحقیق مبارکی، (۱۳۸۳) با عنوان: رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، نشان می‌دهند که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر، هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی جامعه و فرد افزایش یابد، از میزان جرایم جامعه کاسته شده و جرایم کمتری از افراد سر می‌زند. علاوه بر این نتایج بدست آمده از تحلیل‌های سطح خرد تحقیق، حاکی از آن است که

ابعاد شش گانه سرمایه اجتماعی با شاخص جرایم غیر مختوم به زندان، دارای رابطه منفی و معنادار می‌باشند، یعنی هر چه علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، خود باوری در فرد بیشتر بوده و فرد احساس مثبت زیادی به دیگران داشته باشد و دارای روابط متقابل زیادی با اطرافیان خود باشد و همچنین احساس کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها در فرد به وفور وجود داشته باشد، میزان ارتکاب به جرم در او کمتر خواهد بود. همچنین یافته‌های سطح کلان تحقیق نشان می‌دهد که بین سطح توسعه اقتصادی و جرم رابطه منفی و معنادار و نیز بین نابرابری درآمد و جرم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بطوری که هر چقدر سرمایه اجتماعی در یک جامعه بالا باشد و توسعه اقتصادی در آن صورت گرفته و نابرابری درآمد کمتر باشد، میزان جرم و جنایت در آن جامعه کمتر شده و مردم سعی خواهند نمود بیشتر تابع قانون بوده و از مقررات و هنجارهای رسمی و غیر رسمی پیروی نمایند.

قاضی نوری و توسلی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «ارزیابی برنامه ملی فناوری نانو ایران با کارت امتیازی متوازن و تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی به عنوان حلقه مفقوده نظام ملی نوآوری» انجام داده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان داد که از ادغام مفاهیم نظام ملی نوآوری و کارت امتیازی متوازن، استنباط آن بود که در پایین‌ترین سطح نقشه استراتژی باید سرمایه اجتماعی به عنوان زیرساخت نظام ملی نوآوری قرار گیرد و نظام ملی نوآوری نیز به نوبه خود زیر ساخت توسعه اقتصادی است که در بالاترین سطح نقشه استراتژی قرار خواهد گرفت.

پژوهش عطار (۱۳۸۸) با عنوان «سرمایه اجتماعی جامعه مدنی و دولت» به این نتیجه دست یافت که سرمایه اجتماعی، فزاینده موجود در روابط کنشگران اجتماعی و جامعه مدنی مستحکم، به همراه دولتی مدرن، قوی و توسعه خواه، فرایند توسعه همه جانبه کشورهای در حال توسعه را با کمترین زمان و آسیب ممکن به پیش خواهند برد.

فرقانی و حق‌بین (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی نقش فرهنگ و سرمایه اجتماعی در نظام توسعه علم و فناوری کشور، به تبیین شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر توسعه علم و فناوری بر حسب اطلاعات موجود در ایران اقدام کرده‌اند.

شعبانی و سلیمانی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «اندازه‌گیری اثرات سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی» (مطالعه موردی ج.ا. ایران)، چهار شاخص اعتماد، مشارکت اجتماعی، همکاری‌های مدنی و صداقت را به عنوان شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی انتخاب کرده‌اند که نتایج این پژوهش نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی بوده است.

قاسمی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی به این نتایج دست یافته‌اند که سرمایه اجتماعی درون گروهی که بر اعتماد محدود و خاص تأکید دارد، موجب اختلال سازمانی و فرقه‌گرایی می‌شود و نتیجه آن فقدان توسعه است، و در مقابل، سرمایه اجتماعی برون گروهی با گسترش شعاع اعتماد، شکل‌گیری شبکه‌های روابط اجتماعی و مشارکت افراد در انجمن‌های داوطلبانه به فرایند توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

زاهدی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی رابطه مثبتی دارد.

رنانی و همکاران (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی: ارائه یک الگوی نظری» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که می‌توان با تعمیم مدل فرانکوئیس و ورود تابع تولید، رابطه تازه‌ای برای رشد اقتصادی معرفی کرد که در آن رشد اقتصادی علاوه بر آن که تابعی از تغییرات منابع اقتصادی و انسانی است تابعی از مقدار مطلق و نرخ رشد سرمایه اجتماعی نیز هست.

مویدفر و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اثرات متقابل پویای سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مطالعه موردی ایران» به این نتیجه دست یافتند که سطوح

بالتر سرمایه اجتماعی سبب می‌شود که شاخص‌های توسعه بهبود یافته و در ادامه افزایش درجه توسعه یافتگی خود سبب بهبود و شکل‌گیری روابط جمعی مبتنی بر اعتماد (سرمایه اجتماعی) در جامعه خواهد شد.

رحمانی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، مطالعه موردی استان‌های کشور با روش اقتصاد سنجی فضایی به این نتیجه دست یافته‌اند که متغیر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد به این ترتیب که با ثابت بودن سایر شرایط، افزایش یک واحد شاخص سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی ۰/۱۸ درصد افزایش می‌یابد.

صفدری و خسروی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران» به این نتیجه دست یافته‌اند که سرمایه اجتماعی در ایران رو به کاهش بوده است. در سطح خرد، ارتباط دوستانه والدین با فرزندان و رسیدگی هر چه بیشتر به آموزش آن‌ها و آشنایی فرزندان با دین و آموزش‌های دینی برای ارتقای سطح سرمایه اجتماعی ضروری است، در سطح کلان نیز برخورد شدید دولت با عوامل فساد و نابودکننده سرمایه اجتماعی برای افزایش سرمایه اجتماعی لازم است.

پژوهش خدا پرست و همکارانش (۱۳۸۸)، با عنوان تأثیر حمایت از تامین حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی به بررسی ابعاد تأثیر مالکیت فکری در ارتقای رشد اقتصادی، از منظر مخارج تحقیق، توسعه و تعداد محققان می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان داد که حمایت از تامین حقوق مالکیت فکری به طور مستقیم تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. همچنین حمایت از تامین حقوق مالکیت فکری به طور غیر مستقیم از طریق R&D و تعداد محققان تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

تحقیق ندا گرشاسبی نیا (۱۳۹۱) با عنوان نقش حقوق مالکیت فکری در نوآوری کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که این حقوق در نوآوری و توسعه کشورهای در حال توسعه تأثیر مستقیم و قدرتمندی ندارد. در حالی که این تأثیر در کشورهای توسعه یافته مشهود است. نقش مثبت این حقوق در اقتصاد کشورهای در حال توسعه را

نمی‌توان نادیده گرفت و با توجه به فشار کشورهای در حال توسعه برای الحاق به قراردادهای حقوق مالکیت فکری، این کشورها بایستی قوانین مربوطه را متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی خود به منظور حداکثر نمودن بهره‌وری از آنها تدوین نمایند.

سلامی و گودرزی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان راهکارهای بهبود نظام مالکیت فکری ایران در جهت توسعه تکنولوژی کشور، به بررسی نظام مالکیت فکری در ایران، نحوه تعامل این نظام با سیستم ملی نوآوری کشور و مقایسه آن با نظام مالکیت فکری در سه کشور جهان (ژاپن، کره جنوبی و چین) پرداخته‌اند. در این پژوهش، محققان، پس از انجام مطالعات گوناگون، شرکت در سمینارهای گوناگون و مصاحبه با خبرگان مالکیت فکری در داخل و خارج از کشور و سپس با توجه به مسائل مربوط به مالکیت فکری و توسعه تکنولوژی، راهکارهایی جهت بهبود نظام مالکیت فکری ایران از جنبه‌های گوناگون ارائه کرده‌اند.

در خارج از کشور پژوهش‌های آلفرد سرکیسیان^۱ (۲۰۰۸) با عنوان «حقوق مالکیت فکری برای کشورهای در حال توسعه: درسی از ایران»، پژوهش پیندا^۲ (۲۰۰۶) با عنوان «اثرات قوی حقوق مالکیت فکری و معنوی در علوم و تکنولوژی در کشورهای در حال توسعه»، پژوهش چن و پوتیتانوم^۳ (۲۰۰۵) با عنوان «حقوق مالکیت فکری و نوآوری در کشورهای در حال پیشرفت»، اهمیت این مقوله را در این کشورها بررسی کرده‌اند. تورستنسن^۴ (۱۹۹۴) به تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نوآوری و پارک^۵ (۱۹۹۷) به تأثیر حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی توجه کرده‌اند.

-
1. Alfred Sarkissian
 2. Pinda
 3. Chen & Potitanom
 4. Torstensson
 5. Park

چارچوب نظری

تعریف سرمایه اجتماعی

مجموعه منابع بالفعل و بالقوه ای است که با عضویت در شبکه‌های اجتماعی^۱ کنشگران و سازمان‌ها بوجود می‌آید و به عبارتی شامل روابط مبتنی بر اعتماد و بده بستان (معامله به مثل در شبکه‌های اجتماعی است) (شارع پور، ۱۳۸۳: ۹).

سطوح گوناگون سرمایه اجتماعی

بر اساس دیدگاه‌های موجود می‌توان سرمایه اجتماعی را در سه سطح در نظر گرفت:

۱- سطح فرد (روابط بین فرد): در این سطح از تعریف سرمایه اجتماعی، بر روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم بر آنها و به طور کلی کنش‌های متقابل چهره به چهره که در درون واحدها و گروه‌ها گسترش می‌یابد، تاکید می‌گردد. بر این اساس سرمایه اجتماعی موضوعاتی از قبیل؛ شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد را شامل می‌شود. از بین نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، پاتنام و فوکویاما تئوری‌های خود را بیشتر در این سطح مطرح کرده‌اند.

۲- سطح میانی (انجمن‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی): در این سطح، سرمایه اجتماعی به عنوان یک واحد مشترک جمعی در نظر گرفته شده است که باعث سازماندهی سرمایه انسانی می‌شود و همچنین به عنوان یک واحد طبقه‌بندی شده، تمایزات اجتماعی ایجاد می‌کند که چگونگی عملکرد اعضای جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر این اساس سرمایه اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، ارتباطات افقی و عمودی را شامل می‌شود و سازمان‌ها و روابط بینابینی (اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها و احزاب سیاسی) در زمره آن قرار می‌گیرند. نظریه سرمایه اجتماعی کلمن را می‌توان در این سطح قرار داد.

۳- سطح کلان (نهادهای اجتماعی): در این سطح اندیشمندانی چون « نورث^۱ » سرمایه اجتماعی را شامل روابط قراردادی و روابط ساختاری نهادهای کلان (اعم از دولت، حکومت سیاسی و نظام‌های حقوقی و قضایی) می‌دانند. روابط و ساختارهای رسمی مانند: قوانین و مقررات و چارچوب‌های حقوقی، سیاسی، سطح مشارکت، سطح تمرکز و فرآیند شکل‌گیری سیاسی، سطح کلان سرمایه اجتماعی را شامل می‌شوند. از این منظر سرمایه اجتماعی مجموع نهادهایی که جامعه را پی‌بندی می‌کنند، نیست، بلکه عامل نگه داشتن آنها در کنار هم است (بهزاد، ۱۳۸۰: ۴۵).

سطوح تحلیل یاد شده شیوه‌های در نظر گرفتن جریان فعالیت اجتماعی را نشان می‌دهند و نیز تصاویر متفاوتی را از چگونگی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهند. از آنجا که نمی‌توان واقعیت‌های موجود در جامعه را فقط در یک سطح در نظر گرفت، پس نمی‌توان گفت که تحلیل در یک سطح به طور اجتناب‌ناپذیری وابسته به دو سطح دیگر خواهد بود. در واقع ما یک جریان متقابل (از بالا به پایین و از پایین به بالا) بین نهادها، واحدها، گروه‌ها و روابط فردی موجود در جامعه خواهیم داشت.

نظریات سرمایه اجتماعی

نظریه پاتنام:

به نظر پاتنام «سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌کنند» (پاتنام، ۲۰۰۰). بدین ترتیب پاتنام سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه به‌عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند که آن‌ها عبارتند از: الف) شبکه‌ها؛ ب) هنجارهای همیاری؛ ج) اعتماد

الف) شبکه‌ها^۱: پاتنام مانند دیگر نظریه‌پردازان اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آن‌ها با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به‌عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای همیاری و اعتماد مطرح می‌کند (پاتنام و گاس^۲، ۲۰۰۱).

ب) هنجارهای همیاری: از نظر پاتنام ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم یافته است: «من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی آن که چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم، با این اطمینان که در طول راه شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام، ۲۰۰۰).

ج) اعتماد: از نظر پاتنام اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران بدست می‌آید، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰).

پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع «اعتماد شخصی» و «اعتماد اجتماعی» اشاره دارد و نوع دوم را که اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می‌شود، برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر او این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تری در سطح جامعه را موجب می‌شود» (همان). پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از ساز و کارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند.

نظریه کلمن

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند: الف) همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، ب) کنش‌های معین افرادی که در درون ساختار هستند را تسهیل می‌کنند. همچنین او معتقد است که سرمایه اجتماعی مانند دیگر اشکال سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان پذیر می‌کند (کلمن^۱، ۱۳۷۷) کلمن انتظارات^۲ و تعهدات^۳ را شکلی از سرمایه اجتماعی می‌داند و این شکل از سرمایه اجتماعی را چنین تبیین می‌کند: اگر فرد (الف) کاری را برای فرد (ب) انجام دهد با اعتماد به این که فرد (ب) در آینده آن را جبران می‌کند، این امر انتظاری را در فرد (الف) و تعهدی را از جانب فرد (ب) برای حفظ اعتماد ایجاد می‌کند. به عقیده کلمن دو عامل برای این شکل از سرمایه اجتماعی حیاتی به نظر می‌رسد: ۱- میزان در خور اعتماد بودن محیط اجتماعی؛ به طوری که تعهدات باز پرداخت شوند. ۲- میزان تعهداتی که کنشگران به‌عهده گرفته‌اند (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۸).

نظریه فوکویاما

به اعتقاد فرانسیس فوکویاما، دولت‌ها به‌طور غیر مستقیم، فرایند ایجاد سرمایه اجتماعی را از طریق تأمین کالاهای عمومی به شیوه‌ای کارا و به‌اندازه کفایت، به‌ویژه از طریق تعریف و تثبیت حقوق مالکیت و امنیت عمومی، ترویج و تحکیم می‌کنند. در صورت وجود یک محیط باثبات و امن برای کنش و واکنش و برای تعریف و تثبیت حقوق مالکیت، این احتمال افزایش می‌یابد که اعتماد به‌طور خود جوش و در نتیجه تکرار کنش‌ها و واکنش‌های افراد عقلانی به‌منصه ظهور برسد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

-
1. Colman
 2. Expectation
 3. Commitments

دیدگاه نهادی^۱

دیدگاه نهادی مدعی است که حفظ بقا و دوام شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. برخلاف دیدگاه‌های اجتماع‌گرا و شبکه‌ای که با سرمایه اجتماعی عمدتاً به‌عنوان متغیری مستقل برخورد می‌کنند که به ظهور پیامدهای گوناگون - اعم از خوب و بد- منتهی می‌شود، نگرش نهادی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان متغیر وابسته تلقی می‌کند. استدلال طرفداران این رویکرد این است که خود ظرفیت گروه‌ها برای عمل کردن به دلیل نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی‌ای است که در آن‌ها قرار دارند (North, 1990). طرفداران دیدگاه نهادی همچنین تأکید می‌کنند که چگونگی عملکرد دولت‌ها و بنگاه‌ها نیز به نوبه خویش از یک سو به انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی خودشان و از سوی دیگر به پاسخگویی آن‌ها در برابر جامعه مدنی وابسته است.

به اعتقاد اسکاچپل^۲ این ادعا اشتباه است که حد رشد بنگاه‌ها و جوامع جایی است که دولت‌ها عقب بنشینند. اسکاچپل نشان می‌دهد که بر عکس، میزان شکوفایی جامعه مدنی بسته به آن است که دولت فعالانه به تشویق آن اقدام کند (تاجبخش، ۱۳۸۴).

ناک و کیفر^۳ (۱۹۹۵، ۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را با کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی یک جامعه معادل می‌گیرند. این مطالعات با استفاده از شاخص‌های گوناگون اندازه‌گیری کیفیت نهادی تدوین شده توسط نهادهای سرمایه‌گذاری و گروه‌های حقوق بشر، نشان می‌دهند که مواردی چون «اعتماد همگانی»، «حاکمیت قانون»، «آزادی‌های مدنی» و «کیفیت دیوان سالاری» با رشد اقتصادی همبستگی دارند.

-
1. Institutionalism
 2. Skocpol
 3. Knuck & Keefer

کالیر^۱، (۱۹۹۸، ۱۹۹۹)؛ تمپل^۲ (۱۹۹۸) با تمایز قائل شدن بین سرمایه اجتماعی مدنی و دولتی نشان می‌دهند در جوامعی که هم میزان تفرق قومی بالاست و هم حقوق سیاسی در آن‌ها ضعیف است، رشد اقتصادی پایین است.

از لحاظ تجربی و روش شناختی می‌توان پرسش‌های متعددی را درباره این مطالعات مطرح کرد، ولی در مجموع پیام کلی آن‌ها روشن است: فساد فراگیر، کندی آزار دهنده کار اداری، آزادی‌های مدنی سرکوب شده، نابرابری گسترده، تنش‌های تفرقه‌انگیز قومی، و تضمین نداشتن حقوق مالکیت (حتی به اندازه‌ای که بتوان گفت اصلاً چنین حقوقی وجود دارد)، اصلی‌ترین عواملی هستند که مانع رفاه اقتصادی این جوامع هستند. در جوامعی که مدرسه، بیمارستان، راه و دیگر زیرساخت‌های ارتباطی ساخته می‌شوند یا سرمایه‌گذاری خارجی تشویق می‌شود (بانک جهانی^۳، ۱۹۹۸). با این حساب، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی مدنی و دولتی مکمل خوبی برای سرمایه‌گذاری در اشکال متعارف‌تر انباشت سرمایه است (تاجبخش، ۱۳۸۴).

دیدگاه همیاری

مطالعات این دیدگاه به شرح زیر است:

- ۱- دولت و جوامع هیچ کدام به‌طور ذاتی خوب یا بد نیستند. تأثیر دولت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مدنی بر تحقق اهداف جمعی متغیر است.
- ۲- دولت‌ها، بنگاه‌ها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه گسترده و پایدار هستند و لازم است هم در درون و هم در ورای این بخش‌ها، عوامل مکمل و موجد مشارکت شکل بگیرند. بنابراین، شناسایی شرایطی که در آن همیاری شکل می‌گیرد (یا نمی‌گیرد) وظیفه محوری تحقیق و عمل توسعه است.

1. Collier
2. Temple
3. World Bank

۳- در بین این بخش‌های گوناگون، نقش دولت در تسهیل نتایج مثبت توسعه‌ای از همه مهم‌تر و دشوارتر است. به این دلیل که دولت نه تنها تأمین‌کننده نهایی کالاهای عمومی (پول رایج با ثبات، بهداشت عمومی و آموزش همگانی)، دارو و تضمین‌کننده نهایی حاکمیت قانون (حق مالکیت، دادرسی عادلانه، آزادی بیان و ایجاد تشکیلات) است، بلکه ضمناً عاملی است که به بهترین وجه می‌تواند تشکیل اتحادهای پایدار را در فراسوی مرزهای طبقه، قومیت، نژاد، جنسیت، سیاست و دین تسهیل کند. اجتماعات و بنگاه‌ها نیز در ایجاد شرایط نقشی مهم به عهده دارند که به ایجاد، تشخیص و پاداش حکمرانی خوب می‌انجامند (تاجبخش، ۱۳۸۴).

اوانز^۱، از شارحان درجه اول این دیدگاه، نتیجه می‌گیرد که همیاری دولت و شهروندان مبتنی بر دو عامل مکمل بودن و اتکا^۲ است. منظور از مکمل بودن، روابط حمایتی دو طرفه بین کنشگران بخش دولتی و بخش خصوصی است و نمونه روشن آن چارچوب‌های قانونی است که از حق ایجاد تشکل^۳ دفاع می‌کند. همچنین او معتقد است که بدون وجود ساخت قدرت و حکمرانی مناسب و سرمایه اجتماعی قوی، نمی‌توان بنای اقتصاد قوی را پی گذاشت (اوانز، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶).

ولکاک^۴ (۱۹۹۸) با پرورش این افکار نشان داده است که سرچشمه یک سری از پیامدهای توسعه، انواع و ترکیبات متفاوت ظرفیت جامعه و عملکرد دولت است. نارایان^۵ (۱۹۹۹) نیز ایده‌های محوری سرمایه اجتماعی بین گروهی و روابط دولت - جامعه را درهم آمیخته و با ادغام آن‌ها پیشنهاد می‌کند که ترکیبات گوناگون حکمرانی و سرمایه اجتماعی بین گروهی در یک گروه، جامعه محلی یا جامعه، مداخلات متفاوتی را طلب می‌کند. در جوامعی که از حاکمیت خوب و سطوح متعالی سرمایه اجتماعی بین

-
1. Evanz
 2. Embeddedness
 3. Association
 4. Woolcock
 5. Narayan

گروهی بهره دارند، دولت و جامعه مکمل یکدیگر هستند و موفقیت اقتصاد و نظم اجتماعی می‌تواند رخ دهد، ولی هنگامی که سرمایه اجتماعی یک جامعه عمدتاً نصیب گروه‌های اولیه^۱ اجتماعی شود که با یکدیگر ارتباط ندارند، گروه‌های قدرتمندتر به بهای به حاشیه راندن گروه‌های دیگر، بر دولت چیرگی می‌یابند (تاجبخش، ۱۳۸۴).

در این تحقیق، با توجه به نظریات سرمایه اجتماعی پاتنام و کلمن، شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مانند اعتماد در محیط علمی، مشارکت در محیط علمی، انتظارات و تعهدات در محیط علمی و شبکه اجتماعی مولفان آثار، در چارچوب نظری این تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین این تحقیق، برای برقرار کردن رابطه بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی با سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار، از دیدگاه فوکویاما، دیدگاه نهادی و دیدگاه همیاری بهره جسته است و محقق جهت برقراری ارتباط بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی با سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار، به وسیله مولفه‌های وجود قانون حق مؤلف، آگاهی مؤلفان از مفاد قانون، وجود داشتن یا نداشتن سوء استفاده از اثر مؤلفان نگرش مثبت و منفی مؤلفان نسبت به قانون به بررسی رابطه بین دو عامل می‌پردازد.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

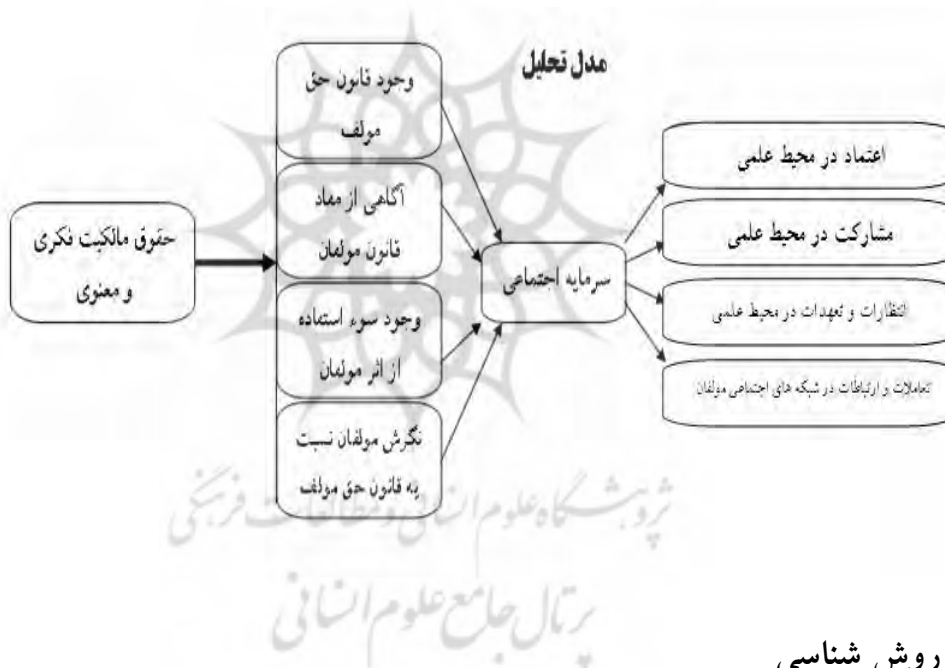
- بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی:

- بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و میزان اعتماد در محیط علمی استادان رابطه وجود دارد.

- بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و میزان انتظارات و تعهدات در محیط علمی استادان رابطه وجود دارد.
- بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و میزان مشارکت در محیط علمی استادان رابطه وجود دارد.
- بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و میزان تعاملات و ارتباطات استادان در شبکه اجتماعی، رابطه وجود دارد.

نمودار ۱- مدل نظری تحقیق



روش شناسی

سرمایه اجتماعی در این تحقیق، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که جهت تعریف آن در این تحقیق، از تعریف پاتنام و کالیر استفاده شده است: سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی مانند اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (پاتنام، ۲۰۱۳: ۲۵۱).

سرمایه اجتماعی شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان اعم از دولت، رژیم‌های سیاسی و نظام‌های حقوقی و قضایی می‌شود (کالیر، ۱۹۹۸).

شاخص‌های سرمایه اجتماعی در این تحقیق با توجه به نظریات نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، مانند پاتنام و کلمن، از چهار شاخص اعتماد در محیط علمی، مشارکت در محیط علمی، انتظارات و تعهدات در محیط علمی و تعاملات علمی در شبکه اجتماعی مولفان آثار، تشکیل شده است که هر شاخص از چندین گویه تشکیل شده است از قبیل: شاخص اعتماد در محیط علمی که با گویه‌هایی مانند: اعتماد به ارائه اثر قبل از چاپ، اجازه داشتن افراد به نقد و بررسی اثر، توجه به انتقادات و پیشنهادات دیگران، قبول برتری اثر دیگران و استفاده از قضاوت همکاران برای رفع اشکالات اثر، سنجیده شد.

شاخص انتظارات و تعهدات در محیط علمی، در این پژوهش با گویه‌های استفاده منصفانه از اثر دیگران و انتظار استفاده منصفانه از سوی دیگران، ارائه نتایج آثار بدون چشم‌داشت، ارائه نتایج آثار با صراحت، ارائه نتایج آثار با صداقت و پرهیز از دادن اطلاعات غلط، وظیفه دانستن تولید اطلاعات علمی و رعایت قانون حق مؤلف سنجیده شد. مشارکت در محیط علمی نیز با گویه‌های: تألیف اثر به صورت فردی، تألیف اثر به صورت مشترک، همکاری و کمک به تألیف اثر دیگران، شرکت در کارگاه‌های آموزشی و شرکت در جلسات انجمن‌های علمی سنجیده شد. شاخص تعاملات و ارتباطات در شبکه اجتماعی مولفان آثار نیز با گویه‌های: بحث و تبادل نظر با همکاران، داشتن ارتباط نزدیک با سایر افراد (روابط دوستی و معاشرت)، به دست آوردن اطلاعات از طریق دوستان و همکاران و دانشجویان و شرکت در مناظره‌های رسانه‌ای سنجیده شد.

حقوق مالکیت فکری و معنوی در این تحقیق، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که جهت تعریف حقوق مالکیت فکری و معنوی در این تحقیق، از تعاریف زیر استفاده شده است:

عبارت intellectual property rights به زبان انگلیسی که معادل حقوق مالکیت فکری در فارسی است، در کتاب‌های حقوقی ایران بیشتر به حقوق مالکیت معنوی ترجمه شده است. حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه عبارت است از: حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری. قانون‌گذار در ایران، حق معنوی را تعریف نکرده است، ولی با توجه به مواد گوناگون قانون مصوب سال ۱۳۴۸ و استفاده از حقوق تطبیقی، می‌توان آن را چنین تعریف کرد:

حقوق معنوی مزایایی است قانونی، غیرمادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری که به موجب آن، او برای همیشه از یک دسته حقوق خاص بهره‌مند است. به سبب وجود این حق، مطالعه محتوای حق مؤلف شروع می‌شود. این حق از نظر حقوقی، بیان‌کننده رابطه‌ای است که اثر را به آفریننده آن مربوط می‌کند. به سبب وجود همین حق، شخص پدیدآورنده از امتیازهای ویژه‌ای برخوردار می‌شود که حتی با مرگ او نیز آن امتیازها از بین نمی‌رود. این حق، ترکیب اثر را به ورثه یا قائم مقام‌های مؤلف در گذشته، با حفظ نام او منتقل می‌کند. (رکنی دزفولی، ۱۳۸۵: ۵۹).

پدیدآورنده: بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، پدیدآورنده به کسی گفته می‌شود که اثری را از طریق دانش یا هنر یا ابتکار ایجاد کرده است. اثر: به آن چیزی اطلاق می‌شود که به واسطه فعالیت، ابتکار و خلاقیت شخص پدیدآورنده به وجود آمده باشد.

اثر مشترک: اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آن‌ها جدا و متمایز از یکدیگر نباشد، اثر مشترک نامیده می‌شود (رکنی دزفولی، ۱۳۸۵).

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

قانون مصوب ۱۳۴۸

از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار آن‌ها پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان، ظهور یا ایجاد آن به کار رفته، اثر اطلاق می‌شود.

حقوق پدیدآورنده

حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

در این پژوهش عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی با استفاده از دیدگاه نهادی، دیدگاه همیاری و دیدگاه فوکویاما از چهار مولفه تشکیل شده است که عبارتند از: وجود قانون حق مؤلف، آگاهی مؤلفان از مفاد قانون، وجود داشتن یا نداشتن سوء استفاده از اثر مؤلفان و نگرش مثبت و منفی مؤلفان نسبت به قانون.

این پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز، پرسشنامه بوده است. پس از انجام آزمون مقدماتی، احتساب مقدار آلفای کرونباخ به منظورتأیید پایایی، اعتباریابی سؤالات با اعتبار صوری حاصل شد. جامعه آماری این پژوهش، استادان صاحب اثر دانشگاه الزهرا (س) بودند که بر اساس آمار معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) جمعیت آماری آنها ۳۱۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای ۹۵ نفری از استادان صاحب اثر انتخاب شدند.

یافته‌های توصیفی پژوهش

در پژوهش انجام شده، ۵۷ درصد از افراد مورد آزمون زن و ۴۳ درصد مرد هستند، ۳ درصد از افراد این پژوهش سن زیر ۳۵ سال، ۳۸ درصد بین ۳۶-۴۵ سال، ۴۴ درصد بین ۴۶-۵۵ سال و ۱۵ درصد بالای ۵۵ سال سن داشته‌اند، ۷۰ درصد استادان بیشتر از ۱۰ سال سابقه کار داشته‌اند، معادل ۹۲ درصد از افراد نمونه آماری متاهل هستند و همچنین

معادل ۵۳ درصد در گروه علوم انسانی مشغول به تدریس هستند، ۹۶ درصد دارای مدرک دکتری، ۹ درصد دارای رتبه علمی مربی و ۴ درصد دارای رتبه استادی مابقی معادل ۸۷ درصد دارای عنوان استادیار و دانشیار بوده‌اند.

در این پژوهش ۴۷ درصد از استادان، نسبت به وجود قانون حق مولف ایران آگاهی داشتند و نیمی دیگر یا بی‌اطلاع بوده و یا اطلاعات کاملی از آن نداشته‌اند، نیمی از استادان، نسبت به سوء استفاده قرار گرفتن آثار پاسخ مثبت داده‌اند و ۷۰ درصد سوء استفاده‌ها در این پژوهش به استادان همکار نسبت داده شده است و همچنین بیش از نیمی از استادان (۵۴ درصد)، قانون فعلی حق مولف ایران را مناسب ندانسته و در مقابل نزدیک ۳۰ درصد آنان قانون حق مولف ایران را مثبت ارزیابی کرده‌اند. نزدیک به ۷۰ درصد از استادان، قانون حق مولف ایران را فاقد کارایی دانسته و در مقابل تنها ۱۴ درصد آنان، کارایی قانون حق مولف ایران را خوب ارزیابی کرده‌اند. ۶۰ درصد از استادان، قانون حق مولف ایران را دارای ضمانت اجرایی ندانسته و ۳۵ درصد آنان کارایی ضمانت اجرایی را تایید نموده‌اند. ۳۰ درصد از استادان قانون حق مولف ایران را در حمایت از حقوق مادی مولفان تایید نموده‌اند و ۴۰ درصد از استادان قانون حق مولف ایران را برای حمایت از حقوق معنوی مولفان مناسب ندانسته و در مقابل حدود ۳۰ درصد آنان میزان حمایت قانون از حقوق معنوی مولفان را تایید نموده‌اند. نگرش ۶۴ درصد از استادان، مخالف قانون حق مولف ایران بوده و تنها ۹ درصد آنان موافق قانون حق مولف ایران بوده‌اند.

در این پژوهش ۵۰ درصد از استادان، اعتماد در محیط علمی موجود بین استادان را خوب ارزیابی نموده و تنها ۱۵ درصد مخالف وجود اعتماد در محیط علمی استادان بوده‌اند. ۷۹ درصد از استادان، از سطح انتظار و تعهد بالایی برخوردارند. ۳۷ درصد از استادان، تعاملات و ارتباطات را زیاد و ۲۲ درصد کم برآورد نموده‌اند و ۴۱ درصد از استادان نیز این تعاملات را در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند. یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد استادان از سرمایه اجتماعی زیاد و ۲۶ درصد

رابطه بین حقوق مالکیت فکری و معنوی ... ۱۰۳

از سرمایه اجتماعی کم و ۳۵ درصد استادان از سرمایه اجتماعی متوسط، برخوردار هستند.

جدول دو بُعدی رابطه مؤلفه‌های متغیر مستقل با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

حقوق مالکیت فکری و معنوی				متغیر مستقل متغیر وابسته	
نگرش مؤلفان نسبت به قانون	وجود سوء استفاده از اثر مؤلفان	آگاهی مؤلفان از مفاد قانون	وجود قانون حق مولف		
ضریب پیرسون و معناداری	ضریب فی و معناداری	ضریب فی و معناداری	ضریب فی و معناداری	اعتماد در محیط علمی	سرمایه اجتماعی
۰/۵۴ ۰/۰۰۰	۰/۱۶۲ ۰/۴۷۸	۰/۵۸۷ ۰/۰۰۰	۰/۶۱۲ ۰/۰۰۰	انتظارات و تعهدات در محیط علمی	
۰/۹۵ ۰/۰۰۰	۰/۱۳۷ ۰/۶۱۹	۰/۵۴۰ ۰/۰۰۰	۰/۵۳۹ ۰/۰۰۰	مشارکت در محیط علمی	
۰/۴۹ ۰/۰۰۰	۰/۳۱۲ ۰/۰۲۶	۰/۴۲۹ ۰/۰۰۸	۰/۴۵۶ ۰/۰۰۳	تعاملات و ارتباطات در شبکه اجتماعی مؤلفان	
۰/۶۳ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۰ ۰/۰۵۹	۰/۷۰۷ ۰/۰۰۰	۰/۶۸۱ ۰/۰۰۰	سرمایه اجتماعی	
۰/۷۷ ۰/۰۰۰	۰/۳۵۹ ۰/۰۱۵	۰/۷۰۹ ۰/۰۰۰	۰/۷۱۸ ۰/۰۰۰		

بر اساس جداول دو بُعدی و همچنین آزمون آماری، نتایج بدست آمده حاکی از وجود رابطه میان مولفه‌های حقوق مالکیت فکری و معنوی و سرمایه اجتماعی استادان صاحب اثر در زمینه تالیف آثار است. طبق یافته‌ها، ارتباط بین وجود قانون حق مؤلف ایران (سال ۱۳۴۸) و سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار، مقدار ضریب فی

(۰/۷۱۸) و مقدار عددی به دست آمده در سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان دهنده بالاترین میزان ارتباط است. همچنین ارتباط بین آگاهی استادان از مفاد قانون حق مؤلف ایران (سال ۱۳۴۸) و متغیر سرمایه اجتماعی، مقدار ضریب فی (۰/۷۰۹) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تایید قرار گرفت و همچنین عامل وجود سوء استفاده از اثر مؤلفان تا چه اندازه اثر آن‌ها تحریف یا از اثر آن‌ها سوء استفاده و حق مادی و حق معنوی آن تضعیف شده است) در ارتباط با سرمایه اجتماعی، مقدار ضریب فی (۰/۳۵۹) با سطح معناداری (۰/۱۵) نشان دهنده عدم وجود رابطه بین وجود سوء استفاده از اثر مؤلفان با متغیر سرمایه اجتماعی است. در رابطه با نگرش مؤلفان با متغیر سرمایه اجتماعی، مقدار ضریب پیرسون (۰/۷۷) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان دهنده ارتباط این دو متغیر با هم است؛ یعنی این که داشتن نگرش مثبت و منفی نسبت به قانون حق مؤلف در ایران نشانگر وجود رابطه با سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار از قبیل اعتماد در محیط علمی، مشارکت در محیط علمی و انتظارات و تعهدات در محیط علمی، تعاملات و ارتباطات در میان استادان می‌باشد.

نتیجه گیری

در این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناسی حقوقی، عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی با سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار و رابطه این دو متغیر با هم مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد که جهت تبیین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی، از دیدگاه نهادی، دیدگاه همیاری و دیدگاه فوکویاما استفاده شد و مولفه‌های تشکیل دهنده آن از نظر محققان این پژوهش، وجود قانون حق مؤلف، آگاهی مؤلفان از مفاد قانون، وجود داشتن یا نداشتن سوء استفاده از اثر مؤلفان و نگرش مثبت و منفی مؤلفان نسبت به قانون بوده است.

همچنین متغیر سرمایه اجتماعی استادان در زمینه تالیف آثار، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و جهت بررسی این عامل نظریات پاتنام و کلمن مورد استفاده قرار گرفت و مولفه‌های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در این تحقیق، اعتماد در محیط علمی، مشارکت در محیط علمی، انتظارات و تعهدات در محیط علمی و تعاملات علمی در شبکه اجتماعی مولفان آثار، بوده است.

نتایج بررسی در این پژوهش نشان دهنده رابطه میان عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی و سرمایه اجتماعی استادان است. یعنی هر چه قوانین حقوق مولفان بهتر باشد و آگاهی مولفان از مفاد قانون بیشتر باشد و همچنین نگرش استادان نسبت به قانون حق مؤلف بهتر باشد و از سوی دیگر هر چه سوء استفاده از اثر کمتر باشد، سرمایه اجتماعی مولفان و استادان صاحب اثر، در زمینه تالیف آثار بیشتر خواهد شد.

تحقیقات بسیار زیادی درباره تاثیر حقوق مالکیت فکری و معنوی بر نوآوری، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی در کشور انجام شده است و همچنین تحقیقات فراوانی هم در زمینه تاثیر سرمایه اجتماعی بر نوآوری و رشد اقتصادی انجام شده است اما هیچ گونه تحقیقی در زمینه این که چگونه حقوق مالکیت فکری و معنوی می‌تواند زمینه ساز و بستر مناسب برای رشد سرمایه اجتماعی باشد انجام نشده است. در نتایج این تحقیق مشخص شد که بین عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی با شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مانند اعتماد در محیط علمی، مشارکت در محیط علمی، انتظارات و تعهدات در محیط علمی و تعاملات علمی در شبکه اجتماعی مولفان آثار، رابطه معنادار برقرار است. با توجه به نتایج تحقیقات داخلی و خارجی مشخص شد که، عامل حقوق مالکیت فکری و معنوی بر نوآوری، تولیدات علمی، توسعه دانش و در نتیجه آن رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی و در پی آن رفاه اجتماعی تاثیر گذار بوده است.

بنابراین با توجه به نتایج این تحقیق، به مسوولان تصمیم‌گیر در کشور پیشنهاد می‌شود که نسبت به کارآمدی قوانین حقوق مالکیت فکری و معنوی، ضمانت اجرای

این قوانین و تصویب قوانین جدید مورد نیاز در این زمینه و همچنین تقویت آن، گام‌های موثر برداشته شود.

منابع

- بهزاد، داوود. (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی، بستری برای ارتقای سلامت روان، مجله رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: وزارت کشور.
- پیران، پرویز؛ موسوی میر طاهر؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۸۵)، کارپایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی (با تاکید بر شرایط ایران)، مجله رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، *سرمایه‌های اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- خداپرست مشهدی و همکاران. (۱۳۸۸)، تأثیر حمایت از تامین حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۴.
- رحمانی تیمور، عباسی نژاد حسین، امیری میثم. (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲.
- رکنی دزفولی، سید محمد رضا. (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی مالکیت معنوی در حقوق ایران و سازمان تجارت جهانی، معرفت، مجله علمی تخصصی در زمینه علوم انسانی، سال پانزدهم، شماره هفتم.

رابطه بین حقوق مالکیت فکری و معنوی ... ۱۰۷

- رنانی محسن، عمادزاده مصطفی، مویدفر رزیتا. (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی: ارائه یک الگوی نظری، *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، سال ۲۱، شماره ۲.

- زاهدی محمدجواد، شیانی ملیحه و علی پور پروین. (۱۳۸۸)، رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۲.

- سلامی و گودرزی. (۱۳۸۲)، راهکارهای بهبود نظام مالکیت فکری ایران در جهت توسعه تکنولوژی کشور، *فصلنامه مدیریت صنعتی*، شماره ۳.

- شارع پور، محمود (۱۳۸۳)، *بررسی سرمایه اجتماعی در استان مازندران*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

- شاه آبادی، ابوالفضل، ساری گل، سارا. (۱۳۹۰)، اثر حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه منا، *رشد فناوری*، *فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد*، سال هفتم، شماره ۲۸.

- شعبانی احمد، سلیمانی محمد. (۱۳۸۸)، اندازه‌گیری اثرات سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، *نامه مفید*، دوره ۱۵ شماره ۷۵.

- صالحی، جواد، سالاری زاد، معصومه. (۱۳۹۰)، *معرفت حقوقی*، سال اول، شماره اول.

- صفدری مهدی، کریم محمدحسین، خسروی محمدرسول. (۱۳۸۷)، *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران*، *فصلنامه اقتصاد مقداری* (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۵، شماره ۲.

- عطار سعید. (۱۳۸۸)، *سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه*، *فصلنامه سیاست*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۹ شماره ۴.

- فرقانی علی، حق بین اشکان. (۱۳۸۸)، *ارزیابی نقش فرهنگ و سرمایه اجتماعی در نظام توسعه علم و فناوری کشور*، *رشد فناوری*، دوره ۵، شماره ۲۰.

- قاسمی وحید، آذربایجانی کریم، ادیبی سده مهدی و توکلی خالد. (۱۳۸۸)، رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.
- قاضی نوری سیدسپهر و توسلی زاده صادق. (۱۳۸۷)، ارزیابی برنامه ملی فناوری نانو ایران با کارت امتیازی متوازن و تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی به عنوان حلقه مفقوده نظام ملی نوآوری، سیاست علم و فناوری، دوره ۱ شماره ۴.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- گرشاسبی نیا ندا، بدری ویچ کمرالدین. (۱۳۹۱)، نقش حقوق مالکیت فکری در موآوری کشورهای در حال توسعه، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال هشتم، شماره ۴.
- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳)، رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- مویدفر رزیتا، اکبری نعمت اله، دلیری حسن. (۱۳۸۸)، اثرات متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، مطالعات اقتصاد بین الملل، شماره ۳۵، صفحات.
- Chen, Y& Puttitanun, T. (2005). Intellectual property rights and innovation in developing countries. **Journal of Development Economics**, 78
- Collier, Paul. (1998). "Social Capital and Poverty". Social Capital Initiative Working Paper 4. World Bank, Social Development Department, Washington, D. C. Processed.
- Evans, P. (1995). **Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation**, Princeton, N. J. : Princeton University Press.

- Evans, P. (1996). "**Government Action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence on Synergy,**" World Development, 24 (6).
- Falk, I. and S. Kilpatrick. (2000). "What is Social Capital? A Study of Interaction in Rural Community", **Journal of the European Society for Rural Sociology, Sociologia Ruralis**, 40.
- Fine, B. (2003). **Social Capital Versus Social Theory: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium**, Routledge Cia, First Published.
- Knack, Stephen, & Philip Keefer. (1995). "**Institutions and Economic Performance: Cross Country Testing Using Alternative Institutional Measures**". Economic and Politics 7 (3).
- Narayan, Deepa. (1999). "**Bonds and Bridges: Social Capital and Poverty**". Policy Research Working Paper 2167. World Bank, Poverty Reduction and Economic Management Network, Washington D. C. Processed.
- North, Douglass. (1990). **Institutions, Institutional Change And Economic Performance**. New York: Cambridge University Press.
- Park, W. G. & Ginarte, J. C. (1997). **Intellectual property rights and economic growth**. Contemporary Economic Policy 15.
- Pineda, Forero- (2006). **The impact of stronger intellectual property rights on science and technology in developing countries**. Research Policy, Volume 35, Issue 6, Pages.
- Putnam, Robert. (2000). **Bowling Alone: the collapse and Revival of American community**, New York: Simon and Schuster.

- Putnam, Robert, d. & Goss, Kristin A. (2001). “**introduction in Putnam.**” (ed) , democracies in flux. The Evolution of Social Capital in contemporary society. oxford university press.
- Sarkissian, Alfred. (2008). **Intellectual property rights for developing countries: Lessons from Iran.** Technovation 28.
- Temple, Janathan. (1998). "Initial Conditions, Social Capital, and Groth in Africa. **Journal of Africa Economics** 7 (3).
- Torstensson, J. (1994). **Property rights and economic growth: an empirical study.** Kyklos 47.
- World Bank. (1998). **Assessing Aid: what Works,what Doesnot, and why.** Newyork: Oxford University Press.
- woolcock, M. (1998). “Social Capital in understanding social and economis outcomes. Isuma, **Canadian journal of policy research** 2 (1).